

مروری بر کتاب

ترجمان البلاغه

مؤلف: محمدبن عمر رادویانی

به اهتمام و تصحیح و توضیح: پرفسور احمد آتش
به کوشش: دکتر توفیق سبحانی و دکتر اسماعیل حاکمی
ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰

دکتر قاسم صافی*

(ص ۱۹۱ تا ۱۹۳)

چکیده

متن حاضر معرفی کتاب ترجمان البلاغه اثر محمدبن عمر رادویانی است که در سال ۱۳۸۰ به اهتمام و تصحیح و توضیح پرفسور احمد آتش و به کوشش استادان محترم دکتر اسماعیل حاکمی و دکتر توفیق سبحانی توسط انجمن آثار و مفاخر فرهنگی انتشار یافته است. علاوه بر سرگذشتنامه‌های بسیار مختصری از رادویانی و احمد آتش، مزایای نشر حاضر نیز نسبت به نشر قبلی برشمرده شده است.

کتاب ترجمان البلاغه تألیف محمدبن عمر رادویانی از کتابهای مهم علم بلاغت و در مباحث معانی و بیان و صنایع لفظی و معنوی، که در استانبول ترکیه توسط مرحوم پرفسور احمد آتش چاپ شده بود بار دیگر توسط آقایان دکتر اسماعیل حاکمی و دکتر توفیق سبحانی، تصحیح و منتشر شده است. یادداشتهای انتقادی استادان ملک‌الشعرا بهار، بدیع‌الزمان فروزانفر، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، دکتر توفیق سبحانی و دکتر اسماعیل حاکمی نیز به ضمیمه همراه

* دانشیار دانشگاه تهران

کتابداری / دفتر ۳۹، ۱۳۸۱

توضیحات و تعلیقات از طرف انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ و نشر یافته است.

از جمله مزایای این چاپ، مقدمه مفصل ترکی کتاب است که توسط آقای توفیق سبحانی به فارسی ترجمه شده است و فهرست موضوعی کاملی نیز در پایان کتاب آمده است.

از مزایای دیگر کتاب، رفع اشتباهات مرحوم آتش در تصحیح این کتاب است که به صورت پرسش و پاسخ از مقالات استادان استخراج شده و درباره هر موضوع، جداگانه به توضیحات لازم در آن زمینه، مبادرت شده است. تصحیحاتی نیز اخیراً از مرحوم علی اکبر دهخدا در مؤسسه لغتنامه دهخدا توسط آقای دکتر محمد دبیر سیاقی پیدا شده و در اختیار مصححان قرار گرفته است و باید امیدوار بود که در چاپ دوم کتاب از آن یادداشتها نیز استفاده شود.

ترجمان البلاغه، کهنترین کتاب ادبیات ایران در زمینه صنایع ادبی و شرح علوم بلاغت است و از نمونه‌های بسیار معدود ادبی از ادبیات منثور ایران به شمار می‌رود که در اواخر دوره تدوین و تثبیت معانی ادبیات ایران بعد از اسلام تألیف شده است. این کتاب تا مدت‌ها در منابع تاریخ ادبیات ایران و تدقیقات مؤلفان - که به منابع عدیده و مجموعه تذکرها استناد شده - از آثار فرخی شاعر بزرگ دوره غزنوی (م ۴۲۹ هـ / ۱۳۰۸ م) دانسته شده است.

این کتاب ارزشمند که نسخه تازه یافته منحصر به فرد و معتبری از آن به دست آمده و در پشت نسخه آن، تصنیف محمدبن عمر الرادویانی نوشته شده میانه سالهای ۴۱۱-۵۰۷ هـ / ۱۰۸۸-۱۱۱۴ م تألیف شده و از جنبه‌های گوناگون در ادبیات ایران، جایگاهی فوق‌العاده مهم دارد.

این کتاب یکی از نخستین مراحل زبان فارسی را نیز نشان می‌دهد که چگونه حالت نوشتاری پیدا کرده و کم‌کم با پر شدن کلمات عربی، شکل امروزی خود را یافته است. در کتاب از بسمله تا پایان کتاب همه جا، فارسی فصیح و پاکیزه به کار رفته است. نویسنده در بسیاری از موارد، در حالی که مجبور است و می‌داند که

هرگز از تأثیر زبان عربی رها نخواهد شد، هنگامی که می‌خواهد فارسی بنویسد، تعبیرات عربی را که به آنها عادت کرده است، حرف به حرف به فارسی ترجمه می‌کند. در این کار تا جایی پیش می‌رود که حتی به جای بسمله، از گفتن "به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر" خودداری نمی‌کند و جایی هم که باید "بذاته" بگوید، تعبیر "به تن خویش" را به کار می‌برد، حتی به جای اسم خاص "ابن‌المعتز"، "پسر معتز" می‌گوید. مؤلف در ترجمان البلاغه پس از ذکر هر یک از صنایع لفظی و معنوی، شواهد معدودی از شاعران قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می‌آورد و البته فقط به ذکر شاعرانی که نام و آثارشان گم شده است بسنده نمی‌کند بلکه در عین حال، اشعار بعضی از شاعران مهم را که نامها و آثارشان معلوم است، اما در منابع تاریخ ادبیات به دست نمی‌آید معرفی می‌کند.

یادداشتها

۱. پرفسور آتش، در سال ۱۹۱۷م در آنچه کری در یکی از قصبات غازی عینتاب (Gazi Avtep) به دنیا آمد. پدرش اصلاً از مردم قونیه بود و فرزندش در این شهر دبیرستان را تمام کرد و برای تحصیلات عالی راهی استانبول شد و زبان و ادبیات ترک و ادبیات فرانسوی را آموخت و به سمت استادیار در کرسی زبان فارسی و عربی به تدریس در دانشگاه پرداخت. در سال ۱۹۳۹ مدیریت دایرةالمعارف اسلام به وی واگذار شد و تا پایان جلد دهم قریب پنجاه مقاله به قلم وی تهیه شد و حدود ۱۸۷ کتاب و مقاله به یادگار گذاشت. او از نسخه‌شناسان و دانشمندان عالم عصر خود بود و در بسیاری از مجامع شرق‌شناسی و بزرگداشت مفاخر علم و ادب مشرق زمین سخنرانی می‌کرد. سرانجام در ۲۰ نوامبر ۱۹۶۶ در دفتر دایرةالمعارف اسلام درگذشت و در گورستان مرکز افندی به خاک سپرده شد.

۲. محمدبن عمر رادویانی، یکی از ادیبان قرن پنجم و ابتدای قرن ششم است که در سرزمین خارج از ایران (به احتمال قوی در قلمرو قراخانیان در مشرق ترکستان و در نزدیکی فرغانه) که زبان ادبی آن فارسی بوده به دنیا آمده و رشد کرده است. از او بیش از این اطلاعاتی در منابع نیامده است.